

نظر  
خواهی

# ریشه‌های خصومت

## آیا ایدئولوژی سیاسی تنها عامل دشمنی میان ایران و اسرائیل است؟

بازگردد. برخی ادعا می‌کنند که در منطقه خاورمیانه بزرگ، ایران، اسرائیل و ترکیه سه قدرتی هستند که به صورت طبیعی در محاصره تهدید یان عربیسم، متحد یکدیگر محسوب می‌شوند. گروهی دیگر هم ایران، اسرائیل و ارمنستان را در محاصره پان عربیسم و پان ترکیسم متحد طبیعی یکدیگر می‌دانند. اما بسیاری از کارشناسان هستند که چنین تحلیل‌هایی را ساده‌انگارانه تلقی می‌کنند و معتقدند که چنین اتحادهایی به لحاظ عملی امکان‌پذیر نیست و تعارض منافع طرف‌ها بارها ثابت شده است.

«هم‌میهن» برای بررسی عوامل و پیشینه خصومت میان ایران و اسرائیل، فراتر از نسبت دادن آن به ماهیت و ایدئولوژی جمهوری اسلامی، از تعدادی از کارشناسان نظرخواهی کرده است. رحمن قهرمان‌پور، تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل که کتاب «هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه» را در همین موضوع به رشته تحریر درآورده است، خصومت ایران و اسرائیل را نتیجه مفهوم «سیاست هویت» می‌داند. مجید تفرشی، پژوهشگر تاریخ در یادداشت خود پیشینه تاریخ معاصر روابط ایران و اسرائیل را بررسی کرده است و تصریح می‌کند که به رغم این تلقی که خصومت ایران و اسرائیل محصول انقلاب در ایران است، اما پیش از انقلاب هم بدبینی و نگرانی نسبت به اسرائیل در میان حاکمان وقت ایران به صورت جدی وجود داشته است. علم صالح، استاد دانشگاه ملی استرالیا، مسئله خصومت ایران و اسرائیل را نتیجه رقابت قدرت و ژئوپلیتیک منطقه می‌داند. در ادامه یادداشت این سه کارشناس را در مورد ریشه‌های خصومت ایران و اسرائیل مطالعه می‌کنید.

و اسرائیل نیز در طول ۴۵ سال گذشته از هیچ تلاشی برای خرابکاری، آسیب و فشار به ایران فروگذار نکرده است. یک هفته پس از پیروزی انقلاب در ایران، نخستین مهمان خارجی حکومت جدید، یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود که با استقبال گسترده انقلابی‌ها به تهران سفر کرد و کلید سفارت پیشین اسرائیل در تهران را گرفت. سازمان آزادی‌بخش فلسطین، تا پیش از انقلاب اسلامی از سوی حکومت شاه مطرود تلقی می‌شد، چراکه از یک سو در دوران جنگ سرد برخلاف ایران در جبهه شرق قرار داشت و در عین حال مولود اندیشه ناسیونالیسم عربی بود که حکومت شاه آن را یک رقیب خطرناک برای ایران می‌دانست. با این حال به رغم نگرانی‌های شاه نسبت به گروه‌های مسلح فلسطینی، روابط ایران و اسرائیل هم در دوران شاه علی‌رغم قرار گرفتن هر دو در بلوک غرب، همواره گرم و صمیمانه نبود. شاه، اگرچه اسرائیل را به رسمیت شناخته بود و روابط بالفعل دیپلماتیک با حکومت اسرائیل برقرار کرد، اما در سال‌های پایانی حکومتش بارها از عملکرد اسرائیل انتقاد کرد. زمانی که سال ۱۹۴۸ ایران به عضویت کمیته ویژه تعیین تکلیف مسئله فلسطین در سازمان ملل متحد درآمد، تهران در کنار هند و یوگسلاوی سه کشوری بودند که با تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی مخالفت کردند.

شاید برای بسیاری از مخالفان حکومت جمهوری اسلامی و حامیان اسرائیل، پاسخ ساده در مورد عامل خصومت میان ایران و اسرائیل به ایدئولوژی و ماهیت جمهوری اسلامی

پس از گذشت ۷۵ سال از تاسیس اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی، ایران و اسرائیل ماه گذشته برای نخستین بار وارد رویارویی مستقیم نظامی شدند. حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق و کشته شدن چندین نظامی ارشد ایرانی، دو هفته بعد با حمله موشکی و پهپادی ایران به دو پایگاه هوایی اسرائیل پاسخ داده شد. یک هفته بعد حمله کوچکی به یک پایگاه هوایی در ایران انجام شد که رسانه‌ها آن را به عنوان پاسخ اسرائیل به عملیات نظامی ایران تلقی کردند. هرچند رویارویی نظامی مستقیم ایران و اسرائیل در سطح محدود باقی ماند، اما این زد و خورد حکایت از تحولات جدیدی در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا داشت که نشان می‌داد سازوکار رقابت قدرت تهران و تل‌آویو در منطقه تغییر کرده است. پاسخ به این سوال که آینده این منازعه به کجا می‌انجامد، نیازمند صبر و رصد تحولات آینده خواهد بود. اما به نظر می‌رسد که پاسخ این سوال که پیشینه این منازعه و خصومت چیست و از کجا پدید آمده است، به همان اندازه پیچیده و مشکل باشد.

حکومت‌های ایران و اسرائیل بیش از چهاردهه است که یکدیگر را تهدیدی برای موجودیت یکدیگر تلقی می‌کنند. حاکمان ایران درست از نخستین روزهای پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ صحبت از محاسراتیل را مطرح کردند

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE  
NATIONAL  
INTEREST

### حمله به کنسول‌گری ایران توجیه‌پذیر نیست

هنجارهای کمی در عرصه بین‌المللی وجود دارد که با قاطعیت کنوانسیون‌های وین در روابط کنسولی و دیپلماتیک در عرصه جهانی رعایت شود. اما در طول هفت ماهی که از آغاز جنگ اسرائیل و حماس می‌گذرد، هنجارهای بین‌المللی به شدت نقض شده‌اند و نتیجه این نقض مکرر، حمله به تاسیسات دیپلماتیک ایران در دمشق در تاریخ ۲ آوریل بود. نگرانی‌های زیادی در مورد رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل وجود داشت و ماه آوریل در واکنش به این حمله، این اتفاق روی داد. این وقایع اهمیت رعایت اصول اساسی حقوق بین‌الملل مانند حفاظت از اماکن دیپلماتیک را برای جلوگیری از غرق شدن در باتلاق جنگ، نشان می‌دهد. نهایتاً بدترین دشمنان هم باید به قوانینی که توسط پیمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی قرار داده شده است، پایبند باشند.

بر اساس این کنوانسیون‌ها، تردیدهای جدی در مورد مشروعیت حمله اسرائیل وجود دارد. مجموعه این سفارتخانه‌ها از لحاظ کنوانسیون‌های وین املاک تحت حاکمیت یک کشور در کشور دیگر محسوب می‌شوند و محل امنی برای اقامت شهروندان آن کشور محسوب می‌شوند. حمله به چنین اماکنی فقط در موارد معدود مشروع تلقی می‌شود، برای مثال اگر دو کشور در جنگ باشند و حمله به این تاسیسات معیارهای عدم تلفات غیرنظامی را زیرپا نگذارد. ایران و اسرائیل رسماً در جنگ نیستند، هرچند که تعامل میان دو طرف هم چندان مسالمت‌آمیز نیست. تردیدی نیست که دو طرف برای سالیان دراز در جنگ سایه‌قرار داشتند که به تدریج بدتر شده است و باعث کشته‌شدن تعداد زیادی غیرنظامی و نقض قوانین آسوی هر دو طرف شده است. در واقع دو طرف در یک «مسابقه قانون‌شکنی» قرار دارند، یعنی وقتی یک طرف اقدامی می‌کند که حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، طرف دیگر هم تلاش می‌کند فراتر برود و نقض قانون توسط دیگری را توجیه اقدام خود تلقی می‌کند. این رقابت دائمی از این جهت اهمیت دارد که نقض قانون توسط یک طرف، نقض توسط دیگری را توجیه نمی‌کند. با توجه به اظهارات نمایندگان کشورها در شورای امنیت سازمان ملل متحد هم می‌توان گفت که از لحاظ حقوق بین‌الملل عرفی هم این اقدام مردود تلقی می‌شود. کشورها حمله به اماکن دیپلماتیک‌شان را از دیدگاه حمله در خاک طرف مقابل یا حمله در خاک کشور ثالث نمی‌بینند، بلکه آن را حمله به تمامیت ارضی خود تلقی می‌کنند.

هرچند تحلیل حقوق در زمینه این حمله ضروری است، اما چنین تحلیل‌هایی با توجه به خلأهایی که در قوانین بین‌المللی وجود دارد و بی‌میلی ایران و اسرائیل به رعایت این قوانین، به صورت ذاتی با مسائل سیاسی همراه هستند. بدتر اینکه هر دو طرف و هواداران‌شان تلاش می‌کنند تا حقوق بین‌الملل را به گونه‌ای دستکاری شده نمایش دهند تا روایت‌شان را توجیه کنند. در این شرایط حقوق بین‌الملل عرفی و هنجارهایی که کشورها بر اساس آنها اقدام می‌کنند باید مبنای کار باشند. با درک این مطلب که اغلب کشورها هر حمله از طرف هر دولتی را در هر شرایطی به اینبه دیپلماتیک و تمامیت ارضی خود مردود می‌دانند، مشکل می‌توان حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران را در دمشق توجیه کرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان حامی اصلی اسرائیل این واقعیت را پذیرفت و معاون سخنگوی پنتاگون، سابرینا سینگ تاکید کرد که «ما از حمله به اماکن دیپلماتیک حمایت نمی‌کنیم.» با پذیرش اینکه همه شکل‌های حقوق بین‌الملل وقتی از حقوق شهروندان یک کشور حفاظت می‌کنند، به صورت ذاتی از حقوق شهروندان همه کشورها حمایت می‌کنند، در نتیجه انحراف از حقوق بین‌الملل عرفی می‌تواند هم به لحاظ سیاسی مسموم و خطرناک برای امنیت بقیه کشورها باشد. به این ترتیب باید حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران به شکل گسترده محکوم شود. قطعاً حمله یک سیگنال سیاسی به ایران برای رسیدن به بازدارندگی بود و نه اقدامی برای دفاع از خود. متأسفانه هنوز ملاحظات ژئوپلیتیک و منافع سیاسی انگیزه اصلی اقدام‌های رهبران جهان است که می‌خواهند به قیمت حقوق بین‌الملل و تلاش‌های گسترده‌تر برای ایمن نگه داشتن انسان‌ها، از متحدان‌شان حمایت کنند. به همین دلیل، جهان جای بدتری برای زندگی کردن شده است.

## رقابت قدرت در خاورمیانه

بود و تلاش می‌کرد در لبنان پایگاهی در میان شیعیان داشته باشد. همانگونه که جمهوری اسلامی فراتر از مرزهای خود به دنبال متحدانی است که اقدام به عملیات نظامی می‌کنند، شاه هم در مناطقی مانند لبنان، یمن، پاکستان، افغانستان، کردستان عراق و لبنان سعی می‌کرد نفوذ خود را بسط دهد. تفاوت دو دوره این است که قدرت نظامی شاه پایدار (Sustainable) نبود، چراکه به قدرت نظامی آمریکا وابسته بود و ایران در آن دوران مشتری سلاح بود، نه تولیدکننده. در آن دوران مسائل منطقه بر اساس منطق جنگ سرد پیش می‌رفت؛ وجود دو قطب و ابرقدرت باعث می‌شد که ایران و اسرائیل چندان تهدید مستقیمی برای یکدیگر محسوب نشوند. اما در حال حاضر در دوران یک جهان چندقطبی به سر می‌بریم که قدرت آمریکا در حال گذار قرار دارد که هم جایگاه خود آمریکا و هم متحدانش در منطقه به چالش کشیده شده است.

پس از انقلاب در ایران و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ایران چه چیزی می‌توانست بهتر از این باشد که «به نام ایدئولوژی» و با استفاده از ایدئولوژی برای پیشبرد اهداف کشور در منطقه بهره‌برداری شود. غایت اصلی قدرت است، اما زبانی که استفاده می‌شود بر بنیاد دین‌گرایی، مذهب‌گرایی و ملی‌گرایی است. این مسئله مختص به ایران و اسرائیل نیست، همه بازیگران بین‌المللی برای توجیه رفتارها و سیاست‌های‌شان در بسیاری از موارد به شکل‌های مختلف از ایدئولوژی استفاده می‌کنند. برای مثال زمانی که آمریکا به کشورهای منطقه حمله می‌کرد ادعا

تفاوت‌های جدی‌تری دارند، اما ایران با آنها مشکلی ندارد، چراکه دغدغه امنیتی با آنها ندارد یا اینکه جزئی از مجموعه دغدغه‌های امنیتی این کشورها نیست. از لحاظ جغرافیایی مثلاً هند نسبت به اسرائیل به ایران به لحاظ فاصله نزدیک‌تر است، کشور قدرتمندی محسوب می‌شود و از لحاظ ایدئولوژیک هم تفاوت بسیار زیادی با ایران دارد. اما ایران هرگز هند را به عنوان یک دغدغه امنیتی به حساب نمی‌آورد. کشورها معمولاً دنبال تهدیدهایی هستند که بتوانند تهدید وجودی یا Existential Threat ایجاد کنند. در حال حاضر ما می‌بینیم عربستان سعودی که با ایران به لحاظ ایدئولوژیک تمایز زیادی داشت، در نهایت توانست تا حدودی به سمت عادی‌سازی روابط حرکت کند اما این امکان با اسرائیل وجود ندارد. بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی حاکمیتی دو طرف، مشکل هر دو طرف در منطقه قدرت است. شاید این سوال پیش بیاید که چرا وارد رویارویی با اسرائیل نشد؟ نخست اینکه شاه هم نگران قدرت اسرائیل در منطقه بود. شاه هم‌زمان با اتمی شدن اسرائیل تلاش کرد ایران را هم اتمی کند. شاه اوایل دهه ۱۹۷۰ به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت اتمی بود. شاه نگران پایگاه منطقه‌ای ایران

علم صالح

استاد دانشگاه ملی استرالیا



رقابت ایران و اسرائیل را در منطقه می‌توان بر اساس نظری بر بنیان مؤلفه‌های ژئوپلیتیک منطقه و به خصوص مقوله مجموعه امنیتی منطقه‌ای (Regional Security Complex) درک کرد. بر اساس مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای، همانطور که در ابرقدرت در سطح جهانی یکدیگر را بر نمی‌تابند، دو قدرت هم در یک منطقه نمی‌توانند قدرت یکدیگر را بپذیرند. مجموعه امنیتی منطقه‌ای به این معناست که کشورهایی در یک حوزه جغرافیایی در کنار هم باشند که دغدغه‌ها و مشکلات امنیتی آنها در یکدیگر گره خورده باشد. ما بازیگرانی در همین منطقه پیرامون خود داریم که بسیار به لحاظ تاریخی و ایدئولوژیک